

# 'ارباب ناگفته‌ها'

مترجم:

Darling

ویراستار:

F\_S\_S12

تایپست

وکلینر:

لاکس

کاری از تیم:

'Flaxen Guys'



Flaxen\_guys



Flaxen\_guys



Flaxenguys



# LORD of the MYSTERIES

چپتر 24

نویسنده: Cuttlefish That Loves Diving

طراح: ۷

تهیه کننده: Nekowalker



هممم...

راجع به اون فراری  
مفصل توضیح داده شده،  
ولی فقط با یه کد به ابزار  
مهر و موم شده اشاره  
شده.

چون "ه" بالاترین  
سطح امور محرمانه‌س، در  
مورد اطلاعات مربوط به "ه-ه-ه"  
فقط صحبت می‌شه و جزئیات  
جایی ثبت نمی‌شه.



ولی هنوز یه سری  
اطلاعات در مورد "ه-ه-ه"  
باقی مونده.

ظاهرش شبیه  
یه قلم پره که بدون  
جوهر هم می‌تونه  
بنویسه.

تقریباً همه‌ش  
همینه.

خیلی خب، هر  
چی که لازم بود  
رو گفتم.

بریم به اسلحه‌خونه  
و از نیل پیر بخوایم که یه  
لیست از اسناد درست  
کنه که تو بخونی.

اون قبلاً یکی از اعضای  
رسمی شبگردا بود، ولی داره پیر  
می‌شه و فرصت ارتقارو از دست داد.  
علاقه‌ای به استراحت نداره... و فقط  
دلش می‌خواد وقتشو با ادبیات  
و هنر بگذرونه.

آه، فهمیدم.

یه قلم پرعادی که  
می‌تونه بدون جوهر  
بنویسه؟ اصلاً به درد  
می‌خوره؟

یعنی مثل "قلم  
مرگ"ه که اسم هرکسی رو  
باهاش بنویسی، می‌میره؟ نه  
امکان نداره. اگه انقدر قدرتمند  
بود، اینس زنگویل مجبور  
نمی‌شد فرار کنه...

وایسا، یه  
چیزی رو یادم  
رفت.





هوم؟

قبل از هر چیزی  
برو حسابدارمون، خانم  
اورینارو ببین.

می‌تونم به پیش پرداخت  
۱۲ پوندی بگیری. بعدش هر  
هفته نصف حقوقت رو بهت  
می‌دن تا وقتی که حساب و  
کتابا درست بشن.

\*Orinna

آه، این خیلی  
زیاده. اصلاً نیازی  
نیست. اگه یکم کمتر  
باشه، بهتره.

ویراستار: دنون است  
پیشکشونم شمرن  
که پریم!

دلت می‌خواد  
هنوزم تو اون آپارتمانی  
زندگی کنی؟

اونجا حتی باید  
دستشویی رو هم با  
بقیه‌ی خانواده شریک  
شی. به علاوه...

ویراستار: بابا لاکیری -  
تایپست: نمونتم رستویج هم شخصیه! باید  
هر کج یکن واسه خودش داشته باشه!!! ~ ~ ~

یه چوب دستی  
و کت و شلوار نو هم  
لازم داری.

ارزون

ارزون

خفخف... خیلی خب...

نداره

ارزون

به رزان  
می‌سپرم ببرت  
پیشش.

ووووش

دینگ  
دینگ  
دینگ

آخ!









من؟

"گلوهی شکار  
اهریمن"؟

مگه هفت تیر  
ولز دست تو نیست؟  
ازت نمی‌خوایم برش  
گردونی.

اینجوری اگه با  
خطری مواجه شدی،  
می‌تونی از خودت  
محافظة کنی.

امم... هیچیم  
بیت نده، شجاعت  
که می‌ده.

برای گرفتن  
"گلوهی شکار اهریمن"  
باید سند رسمی داشته  
باشی. بیا.

خیلی خب،  
یادم می‌مونه! ممنون  
کاپیتان!

وایسا.

کاپیتان بازم  
چیز دیگه ای مونده  
که بگیرم؟

کاپیتان نمی‌تونن  
همه چیو به دفعه بگیرن؟  
به نظر میاد تازه تو سی سالگی  
باشی، پس چه جوریه انگار  
داری پیرمردی می‌شی  
واسه خودت؟

همین الان  
یادم افتاد که تو تا  
الان تمرین تیراندازی  
نداشتی.

....

پشت بده.

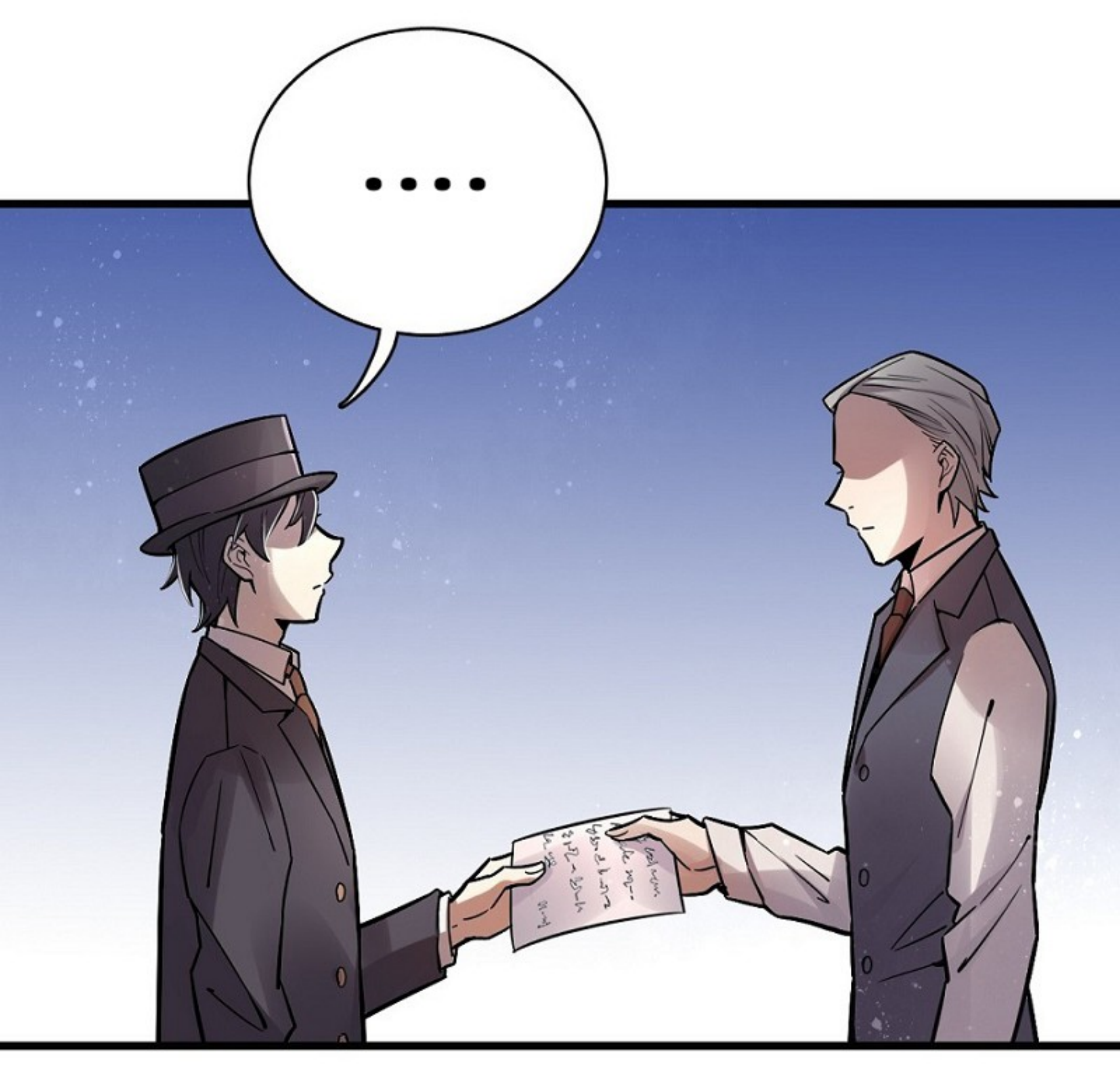
بیا. هر روز سی  
تا تیر معمولی بگیر و برای  
تمرین به محوطه‌ی تیراندازی  
توی خیابان زوتلند، پلاک  
۳ برو.

آه درسته. هنوزم  
لازمه که بری پیش نیل پیر  
تا ازش به نشان بگیری، وگرنه  
به محوطه‌ی تیراندازی  
راحت نمی‌دن.

تیراندازی ماهر  
با گلوه‌های رها شده  
ساخته می‌شن، پس فکر  
نکن که این تمرینا  
بی‌ارزشن.

فهمیدم!







رسیدیم!  
اینجا دفتر کار خانم  
اوریناست!



سلام! چه  
کاری از دستم  
برمیاد؟



سلام خانم اورینا.  
من کلاین مورتی هستم،  
کارمند غیر نظامی  
جدید.

کاپیتان بهم گفت  
که پیام پیشتون و حقوق  
۴ ماه رو که روی هم ۱۲ پوند  
می شه، پیش پیش  
بگیرم...



حتماً. فقط این  
برگه رو که از قبل آماده  
شده، با اسمت امضا کن. مهر  
داری؟ اگه نداری اثر  
انگشتت کافیه.

امم، خیلی خب.



لازم نیست مدرکی  
چیزی نشون بدم؟ حتی برای  
چیزی مثل پیش پیش حقوق گرفتن  
... چطور مدیر مالی اینجا انقدر  
سهل انگاره...؟

راستی کلاین،  
تو رو چون درگیریه اتفاق  
ماوراء الطبیعه شدی، دعوت  
کردن اینجا؟ و چون تو چیزی  
تفصص داری؟







بله.

خیلی سریع فهمیدید، خانم.

هه هه هه...

خب، می دونی... عین همین اتفاق برای منم افتاده.



مجموعه‌ای به جنتلین

کلاه مردانه‌ی ایریشی  
۵ - ۶ سولر

کراوات ۳ سولر

پیراهن ۳ سولر

پوشاک دستر جواهرشاه  
۷ - ۸ سولر

جلیقه و کت و شلوار  
حدوداً ۷ پوندی

پوشاک ۹ - ۱۰ سولر

سر هم حداقل هشت پوند و هفت سولی می‌شه (البته بدون حساب قیمت ساعت جیبی و زنجیر و کیف پول).



در ضمن، مجموعه‌ای که اینجا داریم سر هم یه پوندم نمی‌شه.

لباسای ارزون



بسی کن. داری ذبالت زده‌م می‌کنی!



